

حسین (ع) سرآغازی برای شناختن

حسین سرآغازی برای شناختن است و جستن معرفت و شناخت، دغدغه ای است که انسان معاصر با آن مواجه است. واقعیت این است...



حسین سرآغازی برای شناختن است و جستن معرفت و شناخت، دغدغه ای است که انسان معاصر با آن مواجه است. واقعیت این است گر چه امروزه فرهنگهای پیشرو در ارائه روشهای مادی نگر دنیا کوشیده اند و در این مسلخ بسیاری را قربانی اهداف خود نموده اند، اما بدون ذره ای تعصب و خودبینی می توان گفت که فرهنگ غنی شیعه در پرتو معارف الهی اش چنانچه به گونه ای جذاب ارائه شود، پیروان خود را به سلامت گذر می دهد و آنچه نگارنده در این نوشتار به دنبال آن بود، عادت دادن نفس به مطالعه و خواندن کلام نورانی و ارزشمند امام حسین(ع) بود که اگر شیعه کلام اهل بیت(ع) را به مثابه کلام خدا در قرآن مجید روزانه تکرار نماید.

محمدحسن پاکدامن: بزرگداشتها باشکوه ترین سرآغاز پیدایی تاریخ در زمان زیستن می باشند. زمان زیستن در گستره پر از رویش اندیشمندان، تاریخ را حسی و عبرتهای آن را واگویی می کند. این بزرگداشتها آزمونی است برای بازشناسی حرکتها و ایستایی ها؛ تا بدان مرحله که آدمی دریابد تا چه اندازه از آرمانها و نورانیتها فاصله گرفته و تا کجا باید بپیماید؟ چنین سنجشی همان حسابرسی به نفس است که پروردگار بر آن اصرار ورزیده است.(1)

با این حال، به جا آوردن آداب و بزرگداشتهای ویژه، به لحاظ دارا بودن از پشتوانه ای سرشار از هدایت، معرفت و رهایی، سهم ویژه ای در ضرب آهنگ هوشمندی و به یادآوری آدمی برای حسابرسی به نفسش دارد. در هر ایده و آیینی، پشتوانه ها جایگاه ویژه ای دارند. مذاهب در یک تقسیم بندی به دو قسم «آیین اساطیری» و «مذاهب تاریخی» تقسیم می شوند. برخی از آیین ها در دوره قبل از تاریخ شکل گرفته و بعد به دوره تاریخی وارد شده اند، برخلاف مذاهب تاریخی که در دوره تاریخی شکل یافته اند. بر این اساس، حضرت محمد(ص) حضرت عیسی(ع) و حضرت موسی(ع) شخصیتهایی هستند که ظهورشان در دوره تاریخی اتفاق افتاده است.(2)

سخن از پشتوانه ها، در واقع بیان روح حاکم بر خود فردی و جمعی پیروان هر مذهب و آیین است و بزرگداشتها چیزی جز بازبایی پشتوانه های اساطیری و تاریخی مذاهب نیست. اسلام گرچه مذهبی تاریخی است و همچون بسیاری از آیین های اساطیری آداب تقلیدی ایستا نگردیده است، اما در یادآوری پشتوانه هایش، استوارترین آداب و مرامها را در قالب بزرگداشتهای ویژه به پیروان، یادآور گشته است.

چنانچه در بیان اجمالی این پشتوانه ها بکشیم، سرآغاز آن در تولد، کودکی، نوجوانی و بزرگسالی رسول خدا(ص) و مجاهدتهای بی بدیل آن اسوه و رحمت جهانیان نمود می یابد؛ سپس در غدیر خم، دین اسلام به برکت جانشینی، امامت و ولایت علی بن ابیطالب(ع) کامل می شود و دوره امامت امامان دوازده گانه و وارثان علم و حکمت نبوی آغاز می شود؛ دوره ای که هیچ گاه تا قیامت انتهاپذیر نیست و هر مسلمان در گستره تاریخ اسلام به گونه ای در این گلستان روح انگیز ولایت و امامت سیر نموده است.

بی گمان، در تقویم بزرگداشتهای اسلام، برخی از روزها چنان عظمتی دارند که یادآوری آنها چیزی به جز همان اسلام اصیل نیست، مثلاً آن گاه که از روز غدیر خم یاد می شود، عیدی به پهنه و گستردگی تمام دین اسلام در آسمانها و زمین، برایش تدارک دیده می شود؛ همچنین زمانی که نام کربلا و عاشورا بر زبانها رانده می شود، این یادآوری از چنان پشتوانه ای برخوردار است که حسین(ع) را جان پیامبر(ص) و اسلام می بینیم.(3) این شخصیت، همان کسی است که به هنگام ولادتش ملائکه به ریاست حضرت جبرئیل گروه گروه بر رسول اکرم(ص) نازل می شدند و به آن حضرت تبریک می گفتند.(4)

اولین مولودی است که هنگام ولادت او جد و پدر و مادرش گریستند. کسی است که هر یک از معصومین(ع) به هنگام بردن نامش می گریستند و مؤمنین نیز چون او را یاد می کنند، می گریند. شخصیتی است که تولدش در ماه شعبان واقع شد که شهادت هیچ کدام از معصومین در آن، نقل نشده است و شهادت آن بزرگوار در ماه محرم است که تولد هیچ یک از معصومین(ع) در آن ماه اتفاق نیفتاده است.(5)

آنچه نگارنده در این نوشتار به آن می پردازد، به روایت کشیدن زوایایی از شخصیت امام حسین(ع) در امتداد قطعاتی از کلمات الهی اش می باشد که بی گمان در بزرگداشت ویژه سوم شعبان ما را بیش از پیش با معارف حسینی آشنا می سازد، زیرا

پیامبر(ص) فرمود: آگاه باشید، حسین دری از درهای بهشت است، هر کس با او دشمنی ورزد، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می سازد(6)
و اینک پس از چهارده قرن در مسیر ثانیه های ظهور، دوستی حسین(ع) را زینت جانمان می گردانیم تا در سحاب رحمت مهدوی، حسینی بیندیشیم و زندگی کنیم.

نسینامه

الف) امام حسین(ع) در اتمام حجت با اهل کوفه فرمودند: اما بعد، مردم! اول نسب مرا تعیین و فکر کنید که من چه کسی هستم؟ سپس خویشتن را ملامت کنید. دقت کنید آیا کشتن من برای شما صحیح و جایز می باشد؟ و آیا هتک حرمت من برای شما حلال می باشد؟ آیا من پسر دختر پیامبرتان نیستم؟ آیا من فرزند وصی و پسرعموی پیامبر شما نیستم؟ مگر پدر من اولین فردی نبود که به خدا ایمان آورد و آیا اولین فردی نبود که پیامبر را با آنچه از پیش خدا آورده است تصدیق نمود؟ آیا حمزه سیدالشهدا عموی من نیست؟ آیا جعفر که در بهشت با دو بال پرواز می کند عموی من نبود؟ آیا گفتار رسول خدا(ص) را درباره من و برادرم نشنیده اید که فرموده است: این دو فرزندانم آقای جوانان اهل بهشت می باشند...

اگر مرا در گفتارم تصدیق کنید که حق همین است، زیرا به خدا سوگند از هنگامی که دانسته ام خداوند دروغگویان را عذاب می کند دروغی نگفته ام و اگر گفتار مرا باور نداشته باشید، در میان شما کسانی هستند که اگر از آنان پرسید، به شما خبر خواهند داد... اگر باز هم شک دارید، آیا در این هم شک دارید که من پسر دختر پیامبر شما هستم؟ به خدا سوگند که از مشرق تا به مغرب پسر دختر پیامبری جز من در میان شما و در هیچ جای عالم وجود ندارد.(7)

ب) روزی مروان با لحنی تمسخرآمیز به امام حسین(ع) گفت: اگر شما افتخار فرزندی فاطمه(س) را نمی داشتید، دیگر با چه راهی بر ما فخر می کردید؟

حضرت در پاسخ فرمود: شما را به خدا سوگند می دهم که اگر راست می گویم مرا تصدیق کنید، آیا شما در سرتاسر زمین دو نفر را سراغ دارید که پیامبر، آنان را بیشتر از من و برادرم حسن(ع) دوست داشته باشد؟ و آیا غیر از من و غیر از برادرم حسن، برای پیامبر(ص) دخترزاده ای سراغ دارید؟ همگی گفتند: نه سراغ نداریم.(8)

ج) امام حسین(ع) در پاسخ شخصی که امام را نمی شناخت، فرمود: ما حزب پیروز خداوندیم؛ ما عترت پیامبر خدا و نزدیکان آن حضرتیم، ما اهل بیت پاک پیامبریم، ما یکی از دو وزنه بزرگ هستیم که پیامبر خدا ما را دومین کتاب خدا قرار داده است... همان کتابی که ما در تفسیر و تأویلش درمانده خواهیم شد. (9)

د) امام حسین در روز عاشورا فرمود:
شما را به خدا سوگند می دهم، آیا مرا می شناسید؟ گفتند: آری تو را می شناسیم؛ تو پسر رسول خدا و سبط او هستی، فرمود: شما را به خدا سوگند آیا می دانید که مادر من فاطمه دختر محمد(ص) است؟

گفتند: آری، فرمود: شما را به خدا سوگند آیا می دانید که پدر من علی بن ابی طالب(ع) است؟
گفتند: آری به خدا سوگند، فرمود: شما را به خدا آیا می دانید که مادر بزرگ من خدیجه دختر خویلد اولین زنی است که اسلام آورد؟ گفتند: آری به خدا سوگند، فرمود: شما را به خدا آیا جعفر طیار که در بهشت پرواز می کند عموی من نیست؟ همگی گفتند: آری به خدا سوگند. فرمود: شما را به خدا آیا می دانید که این شمشیر رسول خداست که من همراه دارم؟

گفتند: آری به خدا سوگند، فرمود: شما را به خدا آیا می دانید که این عمامه پیامبر(ص) است که من بر سر گذاشته ام؟ گفتند: آری، به خدا سوگند؛ فرمود: شما را به خدا سوگند آیا می دانید که علی اولین کسی بود که اسلام آورد؟ و آیا می دانید که او از نظر دانش از دیگران عالمتر بود و از لحاظ حلم و بردباری از همه برتر بود؟ و او ولی هر مؤمن و مؤمنه ای بود؟

گفتند: آری به خدا سوگند. فرمود: پس از روی چه دلیل و با چه جرأتی خون مرا مباح می سازید؟ با این که پدرم ساقی و پاسدار حوض کوثر است، افرادی را از حوض کوثر می راند، همان گونه که ساریان شتران را از سراب می راند و با این که لوای احمد در روز قیامت در دست پدرم می باشد؟ گفتند: آری همه این مطالب را می دانیم، ولی ما از تو دست برنمی داریم تا از تشنگی جان به لب رسانی. (10)

چیستی خدا

همیشه یکی از پرسشهایی که آدمی با آن درگیر است، مقوله چیستی خداست. خدا کیست؟ خدا چیست؟ او را که آفریده است؟... به مرور زمان با استواری ایمانش به خوبی درمی یابد که خدا نوری است که با عقل مادی قابل درک نیست.

امام حسین(ع) در بیانی معجزه آسا می فرماید:

الف) ای مردم، از این گمراهان بپرهیزید که اینان همانند کفار اهل کتاب خداوند را مانند خویش می پندارند. پروردگار جهان خدایی است که چیزی مانندش نبوده، شنوا و بیناست، در عین حال که او همه چشمها را درک می نماید، هیچ چشمی او را نمی بیند، خدا لطیف است، یکتایی و عظمت در انحصار اوست.

خواست و اراده و قدرت و علم خود را در کائنات جریان داده است، در هیچ امری از امورش کسی نیست که بتواند با او درافتد؛ نه مانند دارد که مانندش باشد و نه مانند دارد که مثل او باشد. کار آفرینش او را سرگردان نمی سازد؛ و دگرگونیا در او راه نیافته، از دستبرد حوادث بر کنار است و توصیف کنندگان نخواهند توانست عظمتش را آن طور که هست دریابند، میزان قدرت و هیبتش در خردها ننگد، زیرا در میان موجودات چیزی مانندش نباشد، دانشمندان با عقلهایشان و اندیشمندان با اندیشه هایشان او را درک نمی نمایند، مگر همین اندازه که باایمان به غیب او را تصدیق نمایند، زیرا خداوند با هیچ صفتی از صفات مخلوقات توصیف نمی گردد. خداوند یگانه بی نیازی است که آنچه در اندیشه آید خداوند غیر او باشد.

آری آن موجود که اندیشه ما بدان رسد پروردگار ما نتواند بود و آن چیز که در فضا یا جای دیگر باشد، خداوند و معبود ما نخواهد بود. خداوند در موجودات است، اما نه آن گونه که اشیای جهان را دربرگیرد و بر او احاطه یابد؛ از موجودات جداست، اما نه آن گونه جدایی که از آنها غایب باشد، نه کسی را یاری ضدیت با اوست و نه کسی را رسد که مانندش باشد؛ قدیم بودنش همانند قدیم بودن جهان نیست، نظر و قصدش به سوی جانبی مخصوص نیست، همان گونه که از چشمها پنهان است، از خردها نیز پنهان می باشد.

نزدیک بودن به او با لطف و کرامت اوست و دوری از او با بی لطفی او نسبت به دیگران است، هیچ مکانی او را در بر نخواهد گرفت و هیچ ظرف زمانی بر او احاطه نخواهد یافت و تردیدی او را به مشورت وادار نخواهد ساخت، بی آن که بر فراز قله ای صعود کند برتر و بالاتر است.

آمدنش با نقل مکان نیست، موجودات را از نیستی به هستی می آورد و از هستی به نیستی رهسپار می کند و برای کسی جز او این دو صفت در یک لحظه هیچ گاه جمع نمی شود، اندیشه انسان با تفکر به وجودش ایمان پیدا می کند، وجودی که به آن ایمان هست؛ بی آنکه چگونگی برایش تصور گردد، به واسطه او صفات شناخته گردد نه آن که به وسیله صفات، او شناخته شود، به نیروی خداوندی، علوم و معارف شناخته شود نه آن که به واسطه دانشها خداوند شناخته گردد، این است خداوندی که همنام نداشته، از هر عیبی منزّه است و بر او ماندی وجود ندارد و هر صدایی را شنیده و همه چیز را می بیند. (11)

ب) گر چه در بیان پیشین، امام حسین(ع) پاسخگوی بسیاری از شبهات درباره خدانشناسی گردید، با این حال این پرسش باقی است که به راستی جوهره خدانشناسی مسلمانان چیست؟ در دیدگاه امام حسین(ع) بین خدانشناسی و ولایت خدانشناسان پیوندی ناگسستنی مطرح است، زیرا امام حسین(ع) فرمود: ای مردم از خدای بزرگ بترسید، خداوند بندگان را نیافریده است، مگر برای آن که در حقش معرفت پیدا کنند و پس از آن که شناختندش، او را عبادت کنند و پس از عبادتش از پرستش دیگران بی نیاز گردند. شخصی گفت: ای پسر پیامبر خدا(ص) پدر و مادرم به فدایت، شناسایی خداوند چیست؟ حضرت فرمود: شناسایی خدا به این است که مردم هر عصری امام واجب اطاعه خود را بشناسند. (12)

اهمیت ولایت

به گزارش سلیم بن قیس، امام حسین(ع) در اجتماع هزار نفری که همگی زیر یک سایبان بزرگ گرد آمده بودند، فرمود: معاویه سرکش با ما و شیعیان ما رفتاری کرده است که همه شما دیده اید و می دانید و شاهد و گواهد؛ من هم اکنون از شما پرسش دارم، اگر راست گفتم، مرا تصدیق کنید و اگر هم دروغ گفتم، تکذیبم نمایید. شما را به حقی که خداوند بر گردنتان دارد، سوگند می دهم به حق رسول خدا(ص) و قرابتی که من با پیامبرتان دارم؛

از شما می خواهم که سخنان امروز مرا پنهان نسازید و گفته های مرا برای دیگران بیان کنید... گفتارم را بشنوید و یادداشت نمایید؛ سپس هنگامی که به سوی شهرها و قبیله های خود بازگشتید، به هر کسی که امینش دانستید و مورد اطمینان شما بود که از جانب او زبانی به شما نمی رسد؛ آنان را بدانچه از حق ما که می دانید دعوت نمایید، زیرا من می ترسم که این امر (ولایت ما) از بین رود و حق مغلوب گشته از میان برود، هر چند خداوند وعده داده است که نور خویشتن را تمام می نماید، هر چند کافران نخواهند.

راوی گوید: حضرتش از آیاتی که درباره اهل بیت(ع) نازل شده بود چیزی باقی نگذاشت، مگر آن که همه را تلاوت کرد و تفسیر فرمود و از گفته های پیامبر(ص) نیز آنچه را که در حق پدرش و برادرش و مادرش و در حق خودش و اهل بیت پیامبر(ص) فرموده بود، چیزی به جا نگذاشت و در نقل همه اینها اصحاب می گفتند: آری به خدا قسم ما همه اینها را شنیده و شاهد بوده ایم و

تابعان صحابه می گفتند: آری به خدا سوگند، شخصی از صحابه که او را تصدیق می نمایم و امین می دانم، این مطلب را برایم حدیث کرده است. در ادامه این روایت، سلیم بن قیس به هجده مطلب یقینی که امام حسین(ع) مردم را بر آنها سوگند داده بود، اشاره می دارد.(13)

بر این اساس یکی از وظایف ولایتمداران ضمن استحکام پایه های ایمان و عقیدتی خویش، نشر و ترویج فرهنگ جاوید ولایت اهل بیت(ع) در جامعه است، همان فرهنگی که امام حسین(ع) برای پاسبانی از آن سفارش می کند که در راه نشر آن باید کوشید؛ از دین خدا جانبداری کنید و از حرم رسول خدا(ص) دفاع نمایید (14)

چیستی دنیا

ایمان به خدا و قبول ولایت معصومین(ع)، عنصر برکت افزایی آرامش و رسیدن به آرمانهای خدایی در این دنیا است. بی گمان، خداوند افراد مؤمن را از داخل شدن در گروه دنیاگران زیاده طلب، شهوتران و بی هدف باز می دارد و این توفیق تنها بهای این جهانی گرفتار نشدگان دنیا است و چه سرور و ابتهاج ابدی در آخرت برایشان مهیاست.

فقط خدا می داند که با سیر در کلام امام حسین(ع) حقایق بیشتری در حقیقت و گونه تعامل انسان با دنیا درک می شود: الف) شما را به تقوی و خویشتنداری سفارش می کنم و شما را از روزهای خدا (روز قیامت و مرگ و ...) می ترسانم و اندرزتان می دهم.

ای بندگان خدا، اگر تنها همین هول و ترس مرگ و تاریکی قبر، مسیر نهایی ما بود، سزاوار بود که انسان در دنیا همیشه در فکر آن باشد... به هوش باش! مبدا از کسانی باشی که از گناهکاری مردم بر آنان می ترسد، اما خویشتن از مکافات عمل خود غافل است، زیرا خداوند بزرگ فریب نخواهد خورد و به اراده خداوند جز با فرمانبرداریش نمی توان به پادشاهی که وعده داده است رسید. (15)

ب) ای فرزند آدم! لحظه ای اندیشه کن و با خویشتن بگو که پادشاهان جهان و جهانمداران کجایند؟ آنان که خرابی های جهان را آباد می کردند به کجا رفتند؟ صاحبان ثروت، از ثروت و همه چیز خود با بی میلی جدا گشتند و دیگران وارث آن گردیدند، ما نیز به زودی به آنان خواهیم پیوست.(16)

ج) ای مردم! بدانید که دنیا خانه ای فناشدنی و زوال پذیر است؛ این دنیا مردم خود را به یک حال و یک گونه نخواهد گذاشت.(17)

چیستی رجعت

اعتقاد به رجعت، یکی از ویژگیهای مکتب اهل بیت(ع) و تشیع است که برخاسته از آیه های نورانی قرآن مجید(18) و احادیث ائمه معصومین(ع) می باشد.(19)

طبق این اعتقاد، خداوند متعال انبیا و جانشینان آنان و پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) را با گروهی از مؤمنان و پاکان و برخی از ستمگران دوباره قبل از روز قیامت زنده می کند و به این دنیا برمی گرداند تا بندگان شایسته خداوند و مؤمنین از این ستمگران که دشمن خداوند می باشند، پیش از عذابی که در آخرت برایشان مهیا شده، در همین دنیا انتقام بگیرند. زمان این رجعت با ظهور حضرت مهدی(عج) شروع می شود و اول کسی که به دنیا برمی گردد، امام حسین(ع) است. (20)

آن حضرت در یکی از خطابه های خود جریان رجعت خود را پس از بیان ماجرای شهادت چنین بیان می فرماید: در دوران رجعت - اولین کسی هستم که زمین برایم شکافته شده، سر از خاک بردارم.

رجعت من همان هنگامی است که پدرم امیرمؤمنان(ع) به دنیا بازمی گردد و قائم ما قیام می فرماید و پیامبر(ص) دوباره زنده خواهد شد. هنگام برخاستن از قبر گروهی از فرشتگان از طرف پروردگار عالم بر من وارد خواهند شد و این گروه از فرشتگانی خواهند بود که تا آن وقت اصلاً به زمین نازل نشده اند و نیز جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و دسته هایی از فرشتگان بر من وارد خواهند شد... تا این که فرمود: و هیچ مردی از شیعیان ما باقی نخواهد ماند مگر آن که خداوند فرشته ای برایش فرو خواهد فرستاد تا گرد و غبار از صورتش پاک نموده و جایگاه بهشتی اش را به او نشان دهند...

خداوند در آن دوران به شیعیان ما چنان قدرت و بینشی عطا خواهد فرمود که در روی زمین و زیر آن چیزی از نظر ایشان پنهان نخواهد ماند... (21)

سخن آخر

حسین سرآغازی برای شناختن است و جستن معرفت و شناخت، دغدغه ای است که انسان معاصر با آن مواجه است. واقعیت این است گر چه امروزه فرهنگهای پیشرو در ارائه روشهای مادی نگر دنیا کوشیده اند و در این مسلخ بسیاری را قربانی اهداف خود نموده اند، اما بدون ذره ای تعصب و خودبینی می توان گفت که فرهنگ غنی شیعه در پرتو معارف الهی اش چنانچه به گونه ای جذاب ارائه شود، پیروان خود را به سلامت گذر می دهد و آنچه نگارنده در این نوشتار به دنبال آن بود، عادت دادن نفس به مطالعه و خواندن کلام نورانی و ارزشمند امام حسین(ع) بود که اگر شیعه کلام اهل بیت(ع) را به مثابه کلام خدا در قرآن مجید روزانه تکرار نماید و در پی این تکرارها اندیشه هایش را شکلی مرتب دهد، نتیجه آن همان جستن معرفت و شناختی اصیل است که دیگر فرهنگها به یقین از آن بی بهره اند.

پی نوشتها:

- 1- ر.ک: قرآن کریم. شمس/ 7 تا 10
- 2- ر.ک: محمدحسن پاکدامن. جامعه در قبال خرافات/ 12 تا 32
- 3- ر.ک: کنزالعمال 223/6 ح 2953 «حسین منی و انا من حسین...»
- 4- ر.ک: بحارالانوار 248/43
- 5- ر.ک: عباس اسماعیلی یزدی. سحاب رحمت/ 62
- 6- ر.ک: ابن جوزی. مقتل الخوارزمی 145/1
- 7- ر.ک: مفید. الارشاد 98/2- تاریخ الطبری 323/4
- 8- ر.ک: الطبرسی. الاحتجاج 23/2- بحارالانوار 206/44
- 9- ر.ک: مفید- الامالی/ 349- وسایل الشیعه 197/27
- 10- ر.ک: محسن امین. لواعج الاشجان /112- بحارالانوار 318/44
- 11- ر.ک: ابن شعبه الحرانی. تحف العقول/244- بحارالانوار 301/4
- 12- ر.ک صدوق. علل الشرايه 9/1- ابوالفتح الکرآجکی. کنزالفوائد/ 151
- 13- ر.ک: ابوصادق سلیم بن قیس الهمللی. تحقیق محمدباقر الانصاری. کتاب سلیم بن قیس 320 تا 325
- 14- ر.ک: سید مصطفی آل اعتماد. بلاغة الحسین/178. ناسخ التواریخ 287/2
- 15- ر.ک: تحف العقول 239
- 16- ر.ک: باقر شریف القرشی، حیاة الامام الحسین بن علی(ع) الدراسة و التحلیل 162/1
- 17- ر.ک: بلاغة الحسین/166
- 18- ر.ک: قرآن کریم. سجده 21/ - قصص/5- صف/9- آل عمران/ 81 و ...
- 19- ر.ک: بحارالانوار 1/53 «تاریخ الامام الثانی عشر باب مایکون عند ظهوره»
- 20- ر.ک سایت اینترنتی پاسخگویی به مسایل دینی، مقاله رجعت امام حسین(ع)
- 21- ر.ک: قطب الدین الراوندی. الخرائج و الجرائح 848/2

منبع:

روزنامه قدس